

بخش دوره درس:

حقوق جزای اختصاصی ۳

کردآورنده:

جناب آقای فرهاد دارایی

موسسه آموزش عالی فروردین قائم شهر

جزای اختصاصی ۳ استاد دارایی

مالکیت معنوی

محاربه :

قانونگذار در ماده ی ۱۸۳ ق.م سابق مصوب ۱۳۷۰، محاربه را این چنین تعریف کرده است : هرکس برای ایجاد رعب وهراس و سلب آزادی وامنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی الارض است.

یعنی قانونگذار سابق بحث محاربه و فساد فی الارض را هم ردیف یکدیگر قرار داده است و در قانون جدید مجازات اسلامی یک فصلی را (فصل هشتم) اختصاص به محارب و فصل نهم را به افساد فی الارض مختص کرده است در قانون سابق گرچه محاربه و افساد فی الارض هم ردیف یکدیگر قرار داشت ولی مصادیق افساد فی الارض مشخص شده بود مجازاتی برای افساد فی الارض در قانون سابق پیش بینی نشده بود و در ماده ی ۱۹۴ ق.م سابق فقط مجازات محاربه را مشخص کرده اما در قانون جدید این تفکیک بین محاربه و افساد فی الارض انجام شد و در ماده ی ۲۷۹ ق.م جدید محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان ، مال ، ناموس و یا ارباب به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد.

حکم محاربه از نظر فقه از نظر قانون :

حکم محاربه:

در تعریف محاربه در کتاب های فقهی اینطور بیان شده: محاربه یعنی دست بردن به سلاح برای ترساندن مردم است و محاربه برگرفته از کلمه ی حرب به معنای جنگ و دشمنی بایکدیگر و در مقابله کلمه ی سلم به معنای سلح قرار گرفته است. و خداوند در آیه ی ۳۳ سوره مائده مجازات محارب را اینچنین بیان کرده همانا کیفر آنانی که با خدا و رسولش به جنگ برخیزند و در زمین به فساد پردازند این نباشد که آنها را به قتل رسانده یا به دار بکشند یا دست و پایشان را به خلاف یکدیگر قطع کنند یا نفی و تعقیب

شوند.

از لحاظ قانونی حکم محارب: یا عنصر قانونی مجازات محارب:

عنصر مادی جرم مجازات محاربه تجزیه و تحلیل و سلاح می باشد در قانون نیز هرکس دست به سلاح بکشد آمده است و لذا در اسلحه بردن عنصر مادی جرم محاربه را تشکیل می دهد.

- سوال: از لحاظ عنصر مادی جرم محاربه جرمی است مطلق یا مقید؟ در این رابطه دو نظریه وجود دارد نظر گروه اول جرم محاربه را مقید به ارباب دانسته اند و شخص محارب را به صرف اینکه دست به اسلحه بکشد شمول محارب نمی داند و مجازات نمی کنند مگر اینکه باعث ایجاد رعب و هراس شود یعنی جرم مقید است ایجاد رعب و هراس. اما نظر گروه دوم: این نظر که مقابل نظر اول قرار دارد عده ای معتقدند که از لحاظ عنصر مادی جرم محاربه جرمی مطلق است و صرف دست بردن به اسلحه موجب تحقق جرم محاربه است چه اینکه در عالم خارج موجب رعب و هراس بشود یا نشود. اما نتیجه: به نظر می رسد که صرف دست بردن به اسلحه محاربه نمی باشد مگر اینکه سبب ارباب و ترس در میان اشخاص شود (جرم مقید است).

جزای اختصاصی ۳ ۳۰-۷-۹۹

ماده ۲۸۱ ق.م:

سارق مسلح و قطاع الطريق هرگاه با اسلحه امنیت مردم و جاده را به هم بزند محارب هستند.

- سوال؟ آیا ماده ۲۸۱ ماده ۶۵۳ ق.م را نسخ می کند یا خیر؟ به چند دلیل ناسخ نمی باشد دلایل چیه؟

۱- محتوای این دو ماده باهم فرق می کند ماده ۶۵۳ فقط بحث راه زنان را آورده اما ماده ۲۸۱ بحث قاچاقچیان و سارقان اشاره کرده.

۲- ماده ۲۸۱ گفته دست به اسلحه بردن شرط اعمال مجازات محاربه است ولی ماده

۶۵۳ صحبتی از دست به اسلحه بردن نیست .

۳- ماده ۲۸۱ گفته هرکس امنیت مردم را اعم از راه باشد امنیت جاده باشد حتی ممکن است محاربه در باشگاه یا ورزشگاه اتفاق بیفتد عمومیت دارد ولی ماده ۶۵۳ فقط راه و شوارع را گفته .

بغی و افساد فی الارض: ماده ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸

ماده ۲۸۶: هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گرد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.

در تفسیر ماده ۲۸۶ ق.م.:

۱- واژه جنایت یک کلمه اضافی است .

۲- مجازات مباشر یا معاون را یک ردیف قرار داده.

۳- اخلال گسترده قانون گذار صراحتاً بیان نکرده چه مواردی اخلال گسترده محسوب می شود

ماده ۲۸۷ گروهی در برابر اساس نظام جمهوری اسلام ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب می شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می گردند.

- سوال: در قانون قدیم بیان شده بود هرکس در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه بکند آیا اگر شخصی علیه یک کشور اسلامی دیگر در ایران قیام بکند قیام من قابل مجازات است یا خیر؟ خیر شخصی اگر علیه کشور اسلامی دیگر در ایران قیام کند نمی توان مجازات کرد چون گفته علیه جمهوری اسلامی ایران

نکته :

منظور از ماده ۲۸۷ منظور از کلمه اساس کلیات نظام و اساس جمهوری اسلام ایران پس به نظر می رسد اگر گروهی در مقابل یک سازمان محلی هم قیام مسلحانه بکنند مشمول این ماده نمی شود.

نکته آخر:

قانونگذار در این ماده بیان می کند که اگر گروهی در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کنند باغی محسوب اما مجازاتی برای آنها در نظر نگرفته و در قسمت دوم شرط اعمال مجازات استفاده از سلاح لذا به نظر می رسد صرف قیام مسلحانه علیه اساس نظام جمهوری اسلامی ایران بدون استفاده از سلاح مشمول این ماده نیست .

جاسوسی :

به طور سنتی جاسوسی را هم ردیف خیانت به کشور می دهیم که از سوی خارجیان اتباع کشور علیه آن کشور قابل ارتکاب است

انگیزه ارتکاب جاسوسی:

- ۱- مزدور هستند انگیزه مالی دارند از روی حرص و آرزو به ارائه اطلاعات که از زمره اطلاعات گرانبها ترین کالاها می باشد به کشورهای دیگر و متقاضی هستند دست به ارتکاب این عمل می زنند. بیشترین تعداد جاسوسان را این افراد تشکیل می دهند .
- ۲- عقیدتی و فکری ایدئولوژی باشد یعنی جاسوس خودش را از لحاظ فکری و عقیدتی به کشور دیگری غیر از کشور خودش یا کشور محل تولدش یا اقامت خودش وابسته می کند
- ۳ - گاهی انگیزه جاسوسان انتقام گیری است یعنی فرد جاسوس به دلیل مشکلاتی که در یک کشور برایش ایجاد شده در راس انتقام گرفتن از آن کشور است
- ۴- ناشی از فریب خوردن است یعنی طرف داره کار می کند به تصور آنکه داره اطلاعات رو برای یک کشور دیگر ارسال می کند

۵ - گاهی ارتکاب جرم جاسوسی به دلایل مسائل روانی و شخصیتی است با این کار احساس قدرت و هیجان می کند و با این دلایل دست به جاسوسی می زند.

جزای اختصاصی ۳ ۷-۸-۹۹

عنصر قانونی مصادیق جرم جاسوسی:

۱- بحث مطلع کردن اشخاص فاقد صلاحیت از اسرار ماده ۵۰۱ ق.م. قسمت قانون تعزیرات: هر کس نقشه ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالما و عامدا در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیات و مراتب جرم به یک تا ده سال حبس محکوم می شود.

۲- ورود به اماکن ممنوعه جهت کسب اطلاعات یا عکسبرداری غیرمجاز - سوال: شخصی به قصد گردش میره جنگل از درخت ها عکس برداری می کنه یهودیده یه پادگانی اونجاست اومده اونجا عکسبرداری می کنه و دستگیر می شود آیا این فرد جرمی انجام داداگر جرمی انجام داد مصداق کدام یک از جرایم می تواند باشد حال به سوال زیر مستندا مستدلا جواب بدهید؟ ماده ۵۰۳ ق. تعزیرات

ورود به اماکن ممنوعه جهت کسب اطلاعات یا عکسبرداری غیرمجاز هر کس به قصد سرقت یا نقشه برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود و همچنین اشخاصی که بدون اجازه مأمورین یا مقامات ذی صلاح در حال نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکسبرداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می شوند. عنصر مادی: ماده ۵۰۳ قانون تعزیرات یعنی ورود به مواضع مربوطه این میشه عنصر مادی . ورود عمدی و آگاهانه یعنی شما سوءنیت عام دارین قصد سرقت دارین قصد نقشه برداری دارین قصد کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی دارین سوءنیت خاص میشه.

سوال : آیا منظور از ورود غیر مجاز یا ورود مجاز ؟ ورود باغبان یا فرمانده به محوطه پادگان نظامی ممنوعه آیا ورود برای هدف خاصی باشد تا ما بگیم جرم جاسوسی محقق شده یا نه شما انگیزه ات چیز دیگه بود مثلاً انگیزه ات باغبانی بود اما اومدی عکسبرداری کردی آیا منظور از ورود وارد شدن غیر مجازه ؟ به نظر دکتر میر محمد صادقی معتقد است برای تحقق عنصر مادی حتماً ورود شخص برای تحقق این جرم باید غیر مجاز باشد اگر ورود مجاز برای تحقق این جرم تاثیر گذار بود به معنی آن است که فرد بدون اینکه در عمل هیچ کار خلافی و نادرستی انجام نداده باشد به صرف برخورداری از یک اندیشه مجرمانه مهم است قصد به سرقت یا نقشه برداری از اسرار مجرم که این با اصول اولیه حقوق جزا در مورد عدم امکان مجازات و اندیشه ی مجرمانه بدون یک رفتار مجرمانه ممنوع و ناسازگار است. پس صرف برخورداری از اندیشه مجرمانه یعنی طرف قصد گرفتن عکس روداره مانمی توانیم بگیم جرم جاسوسی اتفاق افتاده .

سوء قصد به مقامات سیاسی مذهبی و دولتی:

ماده ۵۱۵ هر کس به جان رهبر و هریک از رؤسای قوای سه گانه و مراجع بزرگ تقلید، سوء قصد نماید چنانچه محارب شناخته نشوند به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

تغزیرات مصوب ۶۲ ماده ۱۴ هر کس با نیت فساد و مقابله با حکومت به جان رهبر یا رئیس جمهور سوء قصد کند و پس شروع به عللی که خارج از اراده مرتکب است بلا اثر بماند در حکم محارب است.

عنصر مادی این جرم (ماده ۵۱۵) و مقایسه آن سال ۶۲ چه تغییراتی حاصل شده آیا این تغییرات حاصل شده بهتر بوده ؟

جزای اختصاصی ۹۹-۸-۱۴

سوء قصد به مقامات سیاسی ، مذهبی و دولتی:

ماده ۱۵ قانون مجازات باب تغزیرات (هر کس به جان رهبر و هریک از رؤسای قوای سه

گانه و مراجع تقلید، سوء قصد نماید چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد)

اما در قانون تعزیرات سابق مصوب ۱۳۶۲ ماده ۱۴ هر کس بابت فساد و مقابله با حکومت به جان رهبر یا رئیس جمهور سوء قصد نماید و پس از شروع به علی که خارج از اراده مرتکب است بلا اثر بماند در حکم محارب است.

همانطور که ملاحظه شد ماده ۵۱۵ علاوه بر سایر تغییرات رؤسای قوه ی قضاییه و مراجع بزرگ تقلید را تحت حمایت قرار داده دلیل حمایت از رؤسای قوای سه گانه به خصوص قوه هستند و قضایی مشخص با توجه به اصل تفکیک قوا.

عنصر مادی جرم مذکور در ماده ۵۱۵ قانون مجازات تعزیرات :

اولین عبارت واژه ی سوء قصد که نباید از این واژه این طور برداشت کنیم که منظور از آن قصد و نیت سوء می باشد یعنی اینکه به محض احراز قصد سوء کسی نسبت به فردی ما سریع بتوانیم آن را مجازات کنیم. منظور از سوء قصد همین که در دل خود این نیت کردی که بیایی به رؤسای قوای سه گانه آسیبی وارد کنی نیت و قصد ملاک و معیار و مجازات کنند به این خاطر است سوء قصد را نباید قصد و نیت سوء یکی دانست بنابراین ماده ۵۱۵ از سوء قصد منظور معنای اصطلاحی به معنای لغوی سوء قصد یعنی اگر کسی که تنها از مرحله فکر و اندیشه گذر کرده ما بیاییم مجازاتش کنیم بلکه بیاید عملیات مقدماتی را انجام داده مثلا اسلحه خریداری کرده باشد مثل دست به عملیات اجرایی بزند ولی شروع به اینکه مثل اسلحه خریده یا دست به عملیات اجرایی بنا به دلایل قصد بلا اثر به عبارتی قانونگذار در این ماده به نوعی به جرم عقیم اشاره کرده مثل اینکه مرتکب بر اثر خطا در تیراندازی یا دخالت مخاطبین فرد مورد نظر یا نه کسی را میخواهیم سوء قصد کند لباس ضد گلوله است و نتواند آن را مورد هدف قرار دهد و آن را مجروح کند .

پس ماده قانون مجازات ۱۴ صریح تر و واضح تر چون در آن ماده اشاره شده بود که فرد

باید به جان رهبر و رئیس جمهور سوء قصد نماید و... و این همان تعریفی که از جرم می شود گرفت با قسمت دوم جمله منظور قانونگذار ماده ۵۱۵ شروع به جرم و انجام عملیات پس مرتکب در صورت قصد به جان دهد قوای سه گانه مراجع تقلید باید عملیات مقدماتی را انجام دهد پس ما نمی توانیم فردی را که فقط قصد سوء دارد مجازات کنیم .

نکته : سوء قصد باید با اسلحه باشد آیا منظور اسلحه گرم یا سرد؟ جواب خیر فرقی بین اسلحه گرم و سرد وجود ندارد پس اعم از اسلحه گرم و سرد حتی اگر طرف با دست خود بیاید به خفه کردن فرد بپردازد مشمول همین ماده قرار می گیرد پس نیاز نیست اسلحه ما گرم یا سرد باشد .

سوء نیت با قصد سوء یک معنا دارد این جا از سوء نیت باید معنای اصطلاحی مد نظر بگیریم تا لغوی چون اگر این کار را انجام ندهیم در ماده هر کس قصد مجرمانه قصدش تو سرش باشد مجرم توخانه نشسته تصمیم گرفته باشیم تصمیم به هر نحوی متوجه شده باشد یک نفر هست و شنود کردن هنوز کاری انجام ندادی اگر این ملاک قرار دهیم صرف قصد مجرم بودن اثبات می شود؟ اما نه این قصد و سوء نیت باید به مرحله اجرا برسد هر چند نتیجه ای که از آن می خواهیم به آن نتیجه نرسیم باید لوازم این کار فراهم یا شروع به عملیات کنیم فردی قصد کشتن فردی را دارد سلاح خریده فرد مورد نظر شناسایی تیراندازی انجام داد تیر شلیک نشده این جا جرم عقیم اتفاق افتاده اما نتیجه کشتن فرد بود لباس ضد گلوله تنش بود عقیم اون زمان به ماده قانونی می توان استناد کرد.

تعریف که قانونگذار سال ۶۲ در ماده ۱۴ آورده تعریف جامع تر و کامل تر چرا همان چیزی در جرم عقیم داشتیم را آورده در نهایت اسلحه که مد نظر است فرقی بین سرد و گرم نیست .

توهین به مقامات سیاسی و خارجی:

قانون تعزیرات ماده ۵۱۷ و هر کس عملاً نسبت به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران وارد شده توهین نماید به یک ماه تا سه ماه حبس محکوم می شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود.

ماده ۵۱۷ ق مصوب ۱۳۷۵ جانشین ماده ۱۵ ق تعزیرات مصوب سال ۶۲ شده ماده ۱۵ ق تعزیرات (هر کس علناً نسبت به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی در قلمرو خاک ایران وارد شده توهین نماید به ۱ تا ۳ سال حبس محکوم شده مشروط بر اینکه در آن کشور نیز جرم مذکور رابطه متقابل باشد) در

مورد رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی و به شرط عمل متقابل در ماده ۵۱۷ ق تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در ماده ۵۱۶ راجع به سوء قصد هر دو ضمیمه می شود برمی گشت به رئیس جمهور منظور از نماینده سیاسی، نماینده سیاسی کشور دیگر در کشور ما و رئیس کشور محسوب نمی شود شخص ملاک نیست اسم ملاک نیست هر کس عهده دار است در هر دو ماده منظور از رئیس کشور منظور رئیس جمهور کشور محسوب می شود فرقی بین ۳ ماده نیست.

۱- نماینده سیاسی اسم خاصی نیست هر کس توپست

۲ رئیس سیاسی همان کشور، کشور یعنی کسی که باید نسبت به جان رئیس کشور سیاسی سوء قصد نماید توهین نماید منظور رئیس کشور رئیس سیاسی کشور خودمان است.

نکته: ۱- منظور رئیس کشور خارجی رئیس کشور خودت رئیس جمهور کشور خودت نسبت به اینها توهین کنی نه نسبت به کسانی که در کشور دعوت می شوند.

نکته: ۲- توهین باید علنی باشد یعنی در خانه نشستیم یکی در تلویزیون سخنرانی کند مشمول ماده خیر چون باید علنی باشد و در حضور شاهد باشد.

نکته: ۳- برخلاف جرائم سوء قصد به مقامات دولتی ایران ماده ۵۱۷ جرایم سوء قصد از

جمله جرایم خصوصی یعنی یا خودشخص بیاید شکایت کند یا دولت بیاید شاکی باشد در غیر اینصورت مجازات نمی شود از جمله جرایم که جنبه خصوصی است.

جزای اختصاصی ۳ ۹۹=۸=۲۱

جرم جعل :

جرم جعل در لغت به معنی دگرگون کردن، منقلب نمودن، گردانیدن، قرار دادن، وضع کردن و ایجاد کردن به کار برده است. یعنی افراد جامعه بتوانند به صحت و اصالت نوشته و اسنادی که در اختیار آنها قرار داده شده یا در بین آنها ردو بدل شده و مورد استناد قرار می گیرد دستکاری کنند. از این رو جرم جعل در واقع مقدمه ای است برای استفاده بعدی از سند مجعول (جعل شده) یا برای ارتکاب کلاهبرداری. مثل جعل اسکناس، قلب سکه در ماده ۲۰ قانون تعزیرات سابق مصوب ۱۳۶۲ در مورد مصادیق جرم جعل تعریفی عنوان نشده اما در ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در مورد عدم تعیین مجازات برای جرم جعل می توان عنصر قانونی این جرم محسوب نمود.

ماده ۵۲۳ قانون مجازات جعل و تزویر عبارت اند از :

ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته ای به نوشته ای دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر آن ها به قصد تقلب .

عنصر قانونی جرم جعل :

ماده ۵۲۴ : هر کس احکام یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخت مقام رهبری و یا رؤسای سه گانه قوه را به اعتبار مقام آن جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می شود.

ماده ۵۲۵ : هر کسی یکی از اشیای زیر را جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال کند یا داخل کشور نماید علاوه بر جبران خسارت به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد.

مصادیق جرم جعل :

۱= ساختن نوشته یا سند

۲= ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی

۳= خراشیدن یا تراشیدن

۴= قلم بردن

۵=الحاق کردن

۶= محو یا سیاه کردن

۷=تقدم یا تأخر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی آن

۸= الحاق نوشته ای به نوشته دیگر

۹= به کاربردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن

۱=

ساختن نوشته یا سند:

در این مورد جاعل کسی که جعل نموده به ساختن یک نوشته یا سند یعنی نوشته ای که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد اعم از سند رسمی یا غیر رسمی. مثال درست کردن یک شناسنامه، یک گواهی نامه، گذر نامه، دانشنامه، اجاره نامه، وصیت نامه و حتی یک قرارداد می تواند عنصر جعل باشد.

سوال : آیا نوشته موضوع جرم جعل باید لزوماً بر روی چیزهایی مثل کاغذ نگاشته شود یا اینکه می تواند بر روی یک پیام رایانه ای، یک قطعه سنگ، یک فلز، یک مجسمه نوشته شده باشد؟ در قانون ایران به نظر می رسد که با توجه به معنی عرفی نوشته و نیز با توجه به مواد بعدی آن ۵۲۴، ۵۲۵ قانون تعزیرات و لزوم تفسیر مضیق جزا باید نوشته را محدود به قدر متیقن یعنی نوشته مندرج بر روی کاغذ و نه نوشته موجود بر روی سنگ، یا چوب، یا پارچه، یا برنامه ی رایانه ای قرار دهیم اما خراش در پلاک اتومبیل و نظایر آن ها از جمله جرایم جرم جعل محسوب می شود. و دستکاری در پلاک اتومبیل در قانون ایران طبق ماده ۷۲۰ قانون تعزیرات مصوب ۷۵ به عنوان یک جرم خاص پیش بینی شده است.

همانطور یک تابلوی نقاشی یک نوشته محسوب نمی شود بنابراین کسی که شبیه یک تابلوی معروف نقاشی را بکشد نمی تواند مصداق عنوان جرم جعل را داشته باشد زیرا بدون امضای آن (امضای نقاش معروف) جاعل محسوب نمی شود. البته اگر بافروش آن به عنوان تابلوی اصل به کاربرد و پولی به دست آورد کلاهبردار محسوب می شود.

جزای اختصاصی ۳ ۹۹-۸-۲۸

۲- ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی:

ماده ۵۲۴ تعزیرات هرکس احکام یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط مقام رهبری ورؤسای سه قوه را به اعتبار مقام آنان جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید به حبس از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۲۳ تعزیرات:

جعل و تزویر عبارت اند از:

ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته ای به نوشته دیگری یا به کاربردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب.

سوال: تصریح قانونگذار در ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات و سایر مواد آن در مورد اینکه ساختن مهر یا امضاء را می توان جرم جعل محسوب کرد؟ مشکل حقوقدانان برخی از کشورها که دارای نظام حقوقی کامن لو هستند از جمله انگلستان این مشکل را مرتفع نمودند حقوقدانان با توجه به اینکه جعل در قوانین آنها در مورد مدارک و نوشته ها پیش بینی شده در این که ساختن امضاء را به تنهایی جرم جعل بدانند تردیدی کنند مگر آنکه این کار به معنی جعل مدرک و نوشته ای باشد که امضاء در ذیل آن مورد استفاده قرار گرفته است مثلاً ما فقط به امضای خالی رویایی جعل کنیم صرف فقط یک امضاء یا صرف فقط یک مهر ما نمی توانیم تردید داریم که جرم، جرم جعل است زمانی من میگویم

این جرم، جرم جعل است که این امضاء یا این مهر پای یک برگه ای خورده باشد .
بنابراین در پرونده ای که در انگلستان مطرح شد عکس که زیر آن امضای هنرمند
معروفی به شکل تقلبی گذاشته شده بود جرم جعل محسوب نشد زیرا عکس، نقاشی
وامضاء یک مدرک محسوب نمی شود وامضاء هر علامتی است که شخص معمولاً ذیل
یک سند یا نوشته برای منتسب کردن آن به خود می گذارد .

سوال: آیا منظور از آن که جرم جعل صرف ساختن فیزیکی مهر است یا اینکه برای
تحقق عنوان جعل باید استفاده از آن هم محقق شود ؟ (یعنی من پیام مهر یک نفر رو
جعل کنم مهریک اداره را جعل کنم واستفاده نکردم) یا به عبارت دیگر آیا صرف اینکه
کسی با وسایلش مثل چوب، فلز، شیشه مهر شخص دیگری رامی سازد وی را مشمول
عنوان جعل می کند یا اینکه او باید علاوه برمهر، مهر مذکور را در زیر نوشته یا سندی
هم مورد استفاده قرار دهد تا بتوان عنوان جاعل را براو بار کرد ؟ در پاسخ باید گفت
باتوجه به اینکه قانونگذار در بخش انتهایی ماده به کار بردن مهر دیگری (انتهای ماده
۵۲۳ قانون تعزیرات) بدون اجازه صاحب آن سخن گفته است باید نتیجه گرفت از
ساختن مهر در این ماده صرف درست کردن مهر دیگری به شرط برخورداری عنصر
روانی جرم یعنی قصد جازدن آن به عنوان مهر اصلی می باشد اما چون این ماده به دلیل
عدم تعیین مجازات نمی تواند به عنوان عنصر قانونی جرم مورد استفاده قرار گیرد پس
در صورتی کسی را می توان به صرف ساختن مهر دیگری محکوم ومجازات کرد که
قانونگذار در ماده دیگری برای این عمل مجازات تعیین کرده باشد از قبیل آن چه که
راجع به جعل احکام، امضاء، یا مهر یا فرمان یا دستخت مقام دولتی آورده در این مورد
عنصر قانونی جرم در ماده ۵۲۴ و ۵۲۵ قانون تعزیرات یافت می شود .

۳- خراشیدن یا تراشیدن :

خراشیدن یا تراشیدن با وسایلی مثل تیغ یا چاقو انجام می شود یعنی این که مرتکب
حروفی را با کمک این وسایل از روی نوشته یا سند محو کند تفاوت بین این دو آن است

که در خراشیدن بخشی از حروف، کلمه یا رقمی از یک عدد و در تراشیدن کل کلمه محو می شود به طور مثال در حالت خراشیدن به نمونه حالت اول (خراشیدن) مثلا حرف ی از کلمه حسین و تبدیل آن به حسن و در حالت دوم تراشیدن کل کلمه مثلا اسم حسین از داخل یک وصیت نامه خارج شود.

۴- قلم بردن :

در قلم بردن لزوما چیزی به نوشته یا سند اضافه نمی شود بلکه ممکن است با استفاده از قلم بردن بخش هایی از یک سند یا نوشته را ناخوانا کرده یا بر روی آن خط بکشد. مثلا برای یک قسمت از سند که به ضرر شماست یا یک اسم شخصی و نمیخواهی در سند باشد شما جوهر را عمدا با دستت میریزی روی سند یا با قلم اسم یک فرد را ناخوانا میکنی یا روش خط میکشی. این میشه قلم بردن.

۵- الحاق کردن:

الحاق کردن یعنی چیزی به سند اضافه شود مثل رقمی در مقابل چک گذاشته شده یا افزودن حرف ی به واژه ی حسن و این واژه را به حسین تبدیل کنی ماده ۶۷۳ قانون تعزیرات هرکس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده است یا به هر طریق به دست آورده سوء استفاده نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

۶- محو یا سیاه کردن :

منظور از محو کردن پاک کردن بخش هایی از یک نوشته است با وسایلی مثل مداد پاک کن، لاک غلط گیر مثل آب و مواد شیمایی و نظایر آن

سوال: آیا می توان سوزاندن و بریدن بخش هایی از یک سند را به عنوان جرم جعل دانست؟ مثلا کسی وصیت نامه شخص دیگری را بر روی شعله شمع بزاره یا با استفاده از قیچی نام یکی از وراث را به وسیله سوزاندن یا بریدن از متن وصیت نامه محو کند آیا جرم جعل محسوب می شود؟ این کار در نظام حقوقی کامن لو جرم جعل محسوب می شود اما در حقوق ایران چنین شخصی تحت عنوان تخریب به جای جعل ارجح تر

می باشد به ویژه اینکه در چنین حالتی امکان اشتباه گرفتن سند تغییر داده شده به جای سند اصلی منتفی می شود پس سوزاندن جعل محسوب نمی شود و بسته به اینکه سند مذکور دولتی باشد یا غیر دولتی مشمول یکی از ماده های ۶۸۱ و ۶۸۲ از قانون تعزیرات می شود حالت اول یعنی ماده ۶۸۱ مجازت دو تا ده سال است و در حالت دوم مجازاتش سه ماه تا دو سال

ماده ۶۸۱: هر کس عالماً دفاتر و قبالة ها و سایر اسناد دولتی را بسوزاند یا به هرنحو دیگری تلف کند به حبس از دو تا ده سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۸۲: هر کس عالماً هرنوع اسناد یا اوراق تجارتي و غیر تجارتي غیر دولتی را که اتلاف آنها موجب ضرر غیر است بسوزاند یا به هرنحو دیگر تلف کند به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

نکته: اگر کسی چکی را با جوهر محو شونده بنویسد که خود به خود به مرور زمان متن چک محو می شود می توان او را جاعل محسوب کرد هرچند می توان وی را به مجازات کلاهبرداری یا صدور چک پرداخت نشدنی هم محکوم کرد .

جزای اختصاصی ۳ ۵-۹-۹۹

۷- تقدم یا تأخر تاریخ سندنسبت به تاریخ حقیقی آن :

منظور از این کار این است که شخصی پس از تنظیم شدن یک سند تاریخ مندرج در آن را جلویا عقب بیاندازد مثل اینکه تاریخ چکی که در ۴-۱ صادر شده است به دلیل انقضای مدت ۶ ماهه در ماده ۱۱ قانون صدور چک تغییر دهد تا قابلیت کیفری را از دست ندهد یعنی تاریخ چک را جلو انداخته و یا ۴-۴ تبدیل کند تا امکان تعقیب کیفری را پس از مراجعه به بانک به اخذ گواهی عدم پرداخت فراهم آورد این کار جرم جعل محسوب خواهد شد.

۸- الصاق نوشته ای به نوشته دیگر:

در این مورد بخش هایی از یک نوشته به نوشته دیگر اضافه می شود تا آن چه که به

وجود می آید نوشته ای واحد تصور شود مثلاً ممکن است صفحاتی از یک قرارداد به قرارداد دیگر پیوست شود یک شرط دارد به شرط آن که آن چه حاصل می شود یک نوشته ی واحد در آید .

۹- به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه ی صاحب آن :

در این مورد مرتکب مهر دیگری را بدون اجازه ی صاحب آن مورد استفاده قرار بدهد یعنی آن را ذیل سند یا نوشته ای به کار می برد به عنوان مثال با نشان دادن مهر خود که آن مهر متعلق به فرد مهمی است به دیگری برای این که اعتماد او را جلب کند نوشته ای از او بگیرد و با این مهر جعلی زیر آن را مهر کند .

شرکت در آزمون به جای دیگری یا شرکت دادن دیگری به جای خود

گاه ممکن است فردی به جای شخص دیگر در آزمون خاصی شرکت نماید برای مثال چندی پیش یک مرد ۵۴ ساله ژاپنی که بدون اطلاع پسر ۲۰ ساله اش در جلسه ی امتحانی به جای او شرکت کرد به دام افتاد این جرم در ماده ۵۴۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ به شکل زیر پیش بینی شده است .

ماده ۵۴۱: هر کس به جای داوطلب اصلی هریک از آزمون ها اعم از کنکور و ورودی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ، دانشسراها، مراکز تربیت معلم، اعزام دانشجو به خارج از کشور یا امتحانات داخلی و نهایی واحدهای مزبور یا امتحانات دبیرستان ها ، مدارس راهنمایی و هنرستان ها و غیره در جلسه امتحان شرکت نماید حسب مورد مرتکب و داوطلب علاوه بر مجازات اداری و انتظامی به دویست هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

این مورد ماهیتاً جعل محسوب نمی شود اما قانونگذار به دلیل ایده و تقلبی که در این کار وجود دارد آن را در بخش راجع به جعل و تزویر آمده است تا قبل از سال ۷۵ این کار فاقد قصد کیفری بود فقط ما می توانستیم براساس قواعد انتظامی و اداری مجازات کنیم.

سوال: عنصر مادی موضوع ماده ۵۴۱ برای فرد شرکت کننده باید شرکت کند و شرکت در

آزمون منوط به اینکه آزمون عملاً برگزار شده و فرد در آن و یا لااقل بخشی از آن شرکت کرده باشد بنابراین هر گاه پس از ارائه کارت جعلی نگهبانان در ورودی امتحان با آگاه شدن از تقلب فرد از ورود او به داخل حوضه جلوگیری کنند به نظر شما جرم جعل اتفاق افتاده ؟ جعل اتفاق افتاد اما جرم شرکت در آزمون محقق نشد چون در ابتدای امر جعلی بودن برگه مورد شناسایی قرار گرفت.

- ولی هرگاه مامورین مراقب در اثنای برگزاری یعنی بعد از شروع رسمی جلسه و تقسیم سوالات امتحانی با کنترل کارت وی تقلب او تشخیص داده می شود ؟
و تقسیم سوالات امتحانی این فرد از فیلتر اول گذشت و در جلسه حضور دارد و سوالات امتحانی هم داده میشود با کنترل کارت وی تقلب او تشخیص داده می شود این سوالات در دستش است اما هنوز به هیچ یک از سوالات پاسخ نداده یا حتی کل تایم هم گذشت به هیچ کدام از سوالات پاسخ نداده آیا جرم جعل محسوب می شود ؟ فرقی ندارد جواب را درست داده باشد یا جواب نادرست بده یا اصلاً جوابی به سوالات نداده باشد هیچ فرقی نیست جرم شرکت در آزمون محقق شده است .

= حالا اومدیم سر جلسه ورقه های امتحانی بین طرفین جابه جا شد آیا بازم شرکت در آزمون محسوب می شود؟ با توجه به تفسیر مضیق قوانین جزایی نمی توان عوض کردن ورقه های امتحانی بین دو داوطلب را در حکم شرکت در آزمون به جای دیگری دانست .
در جرم شرکت در آزمون به جای دیگری در صورتی که آزمون سراسری مثل قضاوت ، وکالت آزمون هایی که جنبه ملی و همگانی دارد بند سه ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات و جرایم در آزمون های سراسری مصوب ۸۴ مقرر می دارد علاوه بر محرومیت از گزینش علمی در همان سال از شرکت در آزمون به مدت یک تا ده سال با نظر هیات های رسیدگی به تخلفات محروم می شود و قبولی داوطلب در همان سال باطل می گردد.

جزای اختصاصی ۳ ۹۹-۹-۱۲

جعل ، ساختن سکه قلب :

طبق بند الف ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ پول رایج کشور به صورت اسکناس و سکه های فلزی قابل انتشار است و براساس بند الف ماده ۳ قانون پولی و بانکی کشور امتیاز انتشار پول رایج کشور در انحصار دولت است. و همچنین به موجب قانون مسکوکات طلا مصوب ۱۳۳۷ امتیاز ضرب سکه طلا هم با دولت است و شخص دیگری حق ضرب سکه طلا را ندارد. به همین دلیل بانک مرکزی جمهوری ایران ضرب سکه هایی مثل سکه ها هخامنشی و پارسیان را که به دلیل گرانی قیمت سکه های بهار آزادی مورد اقبال مردم قرار می گیرد غیر قانونی اعلام کرده در سال ۹۰ بیان شد. منظور از ساختن سکه تقلبی:

این است که مرتکب با تهیه کردن مقداری از فلزاتی که در مسکوک اصلی به کار رفته است و فراهم آوردن وسایل و ابزار لازم مثل وسایل قالب گیری، منگنه دست به سکه سازی بزند معمولاً کسی که این کار را می کند و از این جهت سود می برد که عیار یا وزن سکه ساخته شده وی از عیار یا وزن سکه واقعی کمتر است

- سوال: شخصی در عیار سکه، وزن سکه دست می برد و عیار را پایین می آورد وزن سکه را کمتر می کند از این کار سود می برد به زمانی شخصی تو عیار سکه و وزن سکه چیزی را کم نمی کند به نظر شما آیا جرم قلب سکه تحقق پیدا می کند یا خیر؟

- عیار و وزن سکه های تقلبی ساخته شده از عیار و وزن سکه های واقعی بیشتر یا مساوی با آن باشد مثل برخی از سکه های بهار آزادی غیر رسمی که بعضی از جواهر فروشان تهیه و عرضه می کنند فروش طلا ندارند سکه ها را آب می کنند تبدیل به سکه می کنند لزوماً وزن و عیار آنها کمتر از وزن و عیار سکه های بانکی نیست اما جرم قلب سکه تحقق می پذیرد. چون زیرا این جرم از زمره ی جرایم علیه اموال نیست بلکه جرمی علیه آسایش عمومی است بنابراین ورود ضرر به گیرنده یا خریدار سکه شرط تحقق جرم نمی باشد.

اما تنها تفاوت بین حالتی که عیار و وزن سکه تقلبی از عیار و وزن سکه واقعی کمتر از

می توان فرد را به عنوان کلاهبردار مورد تعقیب قرار داد پس جرم جعل در هر صورت محقق می شود یکیش جرم جعل است و قلب سکه است .

نکته : شرط تحقق جرم ساختن سکه قلب آن است که سکه ساخته شده شبیه سکه اصلی باشد پس در صورت عدم شباهت این جرم محقق نمی شود .

مثلا کسی بیاد سکه بهار آزادی قرمز رنگ ضرب کند . یا کسی یک سکه ۷۰۰ تومنی را ضرب کند چون همچنین سکه ای نداریم این ها جعل نیست .

- سوال : سکه ای جعل کردیم یک طرفش شبیه عین سکه ای که هست ما داریم یک طرف دیگر اصلا شبیه نیست به نظر شما آیا قلب سکه اتفاق افتاد یا نه ؟ ما باید در این مورد ببینیم که جعلی که انجام دادیم کسانی که این سکه به دستشون می رسد ببینیم آیا افراد معقول کسانی که هم تراز هم هستند تو یک قشر هستند گول می خورند یا گول نمی خورند اگر ببینیم افراد متعارف یعنی شما سکه رو بیارید دانشگاه در یک کلاس ۴۰ نفره سکه را در دست هر کدام بدهی شک نمی کنند این سکه ، سکه تقلبی است و همه گول خوردند در اینجا شما می توانید این فرد را به عنوان مجرم قلب سکه مجازات کنی اما یه زمانی شما جعل می کنید یه طرفش عین همان چیزی است که تو سکه است طرف دیگه شما جعل کردی اما جعل طوریه که همه متوجه می شوند یا اصلا همچنین چیزی ما نداریم هیچ کس هم گول نمی خوره اینجا قلب سکه اتفاق نیافتاد .
مخدوش کردن سکه طلا و نقره :

ماده ۵۱۵ قانون مجازات تعزیرات هر کس تقلب به هر نحو از قبیل تراشیدن، بریدن و نظایر آن از مقدار مسکوکات طلا یا نقره ایرانی یا خارجی بکاهد یا عالما عامدا در ترویج این قبیل مسکوکات شرکت یا آن را داخل کشور نماید به حبس از یک تا سه سال محکوم می شود. منظور از مخدوش کردن سکه یعنی با استفاده از وسایل برقی مثل مته یا موادشیمیایی مثل اسید یا ابزار دستی مثل سوهان مقداری از فلز گرانبه‌ای موجود را از سکه جدا کنیم تا اینکه این چیزایی که جدا کردیم رو بیاییم بفروشیم و سکه اصلی ما

به جا مونده یعنی سوهان بکشی رو سکه یه قسمت از بُراده های سکه را بگیری
وجداگانه بفروشی این در سکه های ارزشمند مثل طلا ونقره شما از هر سکه یه مقداری
رو بیایی مخدوش کنی سوهان بکشی در حجم زیاد وکلی سود می کنی .

- سوال : شما بیایی یک سکه دویست تومنی داری بعد بیایی از طریق ابزار آلات این
دنده دو را بگیری تبدیل به یک کنی و بیایی جلوی دویست یک صفر دیگه بزاری و تبدیل
کنی به یک سکه هزار ریالی قانونگذار در بحث مخدوش کردن در ماده ۳۹۰ قانون
مجازات مبحث سوم اختصاص داره به مخدوش کردن سکه طلا ونقره سکه دویست
تومانی از جنس طلا ونقره نیست ما زمانی می توانیم بگیریم این عمل جرمه که قانون این
را جرم انگاری کرده باشد در این مورد ما یک سکه دویست تومنی رو تبدیل کردیم به
یک سکه هزار تومنی اگه ما بگیریم اینو مخدوش کرد مخدوش شدن سکه این فرد مرتکب
جرمی نشد چرا ، چون قانون فقط سکه های طلا ونقره را جرم انگاری کرد. اما می توانیم
اینو بگیریم ایشون اومده قلب سکه انجام داد یعنی اومده یک سکه دویست تومنی را
تبدیل کرده به یک سکه هزار تومنی یک صفر جلوش گذاشته و یک دندانه عدد را هم
برداشته این میشه جرم قلب سکه نه جرم مخدوش کردن سکه .

جزای اختصاصی ۳ ۹۹-۹-۱۹

رشاء و ارتشاء :

در تالیف رشاء و ارتشاء به معنی چیزی است برای ذایل نمودن حقی به انجام دادن کاری
برخلاف حق وعدالت به کسی داده می شود و از نظر حقوقی یعنی آنچه که به کسی
می دهند تا کارسازی ناحق انجام بدهد به عبارتی دیگر باطل را حق وحق را باطل اعلام
نماید رشوه دادن را رشاء و رشوه گرفتن را ارتشاء می گویند .

عنصر قانونی ومادی جرم رشاء و ارتشاء :

ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء،اختلاس ،وکلاهبرداری مصوب ۶۷ هرکس
به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص

تفویض می گردد نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می شود در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوء استفاده نماید یا در توزیع کالاهائی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید مرتکب تقلب شود و یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جزای نقدی معادل دو برابر مال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۹۲ قانون تعزیرات :

هر کس عالماً یا عامداً (از روی علم و عمد) برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام باشد وجه یا مال یا سندی پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیر مستقیم بدهد در حکم راشی (رشوه دهنده) است و به عنوان مجازات علاوه بر ضبط مال ناشی از ارتشاء به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود.

تبصره « در صورتی که رشوه دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده (یعنی مجبور بود این کار را انجام بدهد اگر رشوه نمی داد این مامور، کارمند کارشو انجام نمیداد) و یا از پرداخت آن را گزارش دهد یا شکایت نماید از مجازات حبس مزبور معاف و مال به وی مسترد می گردد .

" مثال در بحث پزشکی ها برای اینکه جراحی انجام شود پزشک رشوه می گیرد و چون فرد چاره ای ندارد چون پول رو ندهد چون بیمارش در خطر باشد باید این کار را انجام بدهد تا بتواند جراحی را انجام دهد بعد اینکه بیمار جراحی را انجام داد و خیالش راحت شد میره شکایت می کنه میگه من چاره ای نداشتم مضطر بودم ویه سری مستندات میاره و اگر حرفش به اثبات برسد حبسی که براش در نظر گرفتیم حبس معلق و اون پولی که به عنوان رشوه داده اون پول رو میتونه دریافت کند."

ماده ۵۹۰ قانون مجازات :

اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد بلکه مالی بلاعوض یا به مقدار فاحش ارزان تر از قیمت معمولی یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحشی کمتر از قیمت به مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری به طور مستقیم یا غیرمستقیم منتقل شود یا برای همان مقاصد مالی به مقدار فاحشی گران تر از قیمت مستخدمین یا مامورین مستقیم یا غیر مستقیم خریداری گردد مستخدمین و مامورین مزبور مرتشی و طرف معامله راشی محسوب می شود .

همان طور که در متن سه ماده فوق بیان شد عمل فیزیکی لازم برای تحقق عنصر مادی جرایم یعنی رشاء و ارتشاء فعل مثبت از واژه دادن یا قبول کردن ، وجه ، مال ، سند ، تسلیم مال و نیز انجام معامله یا مبلغ غیر واقعی استفاده می شود پس به این ترتیب کارمندی که در مقابل انجام یا عدم انجام کاری مالی از کسی قبول می کند یا ملک او را به بهایی بسیار کمتر از قیمت واقعی آن می خرد مرتشی و طرف مقابل را راشی محسوب می شود .

سوال « به نظر شما این جرم رشاء و ارتشاء از جمله جرایم مطلق یا مقید ؟ این جرم از جمله جرایم مطلق است یعنی تحقق آن منوط به تحقق نتیجه ی خاصی نیست طبق ماده ۳ قانون تشدید مجازات گفتیم تحقق جرم ارتباطی با اینکه مستخدم این کارو انجام داده یا نداده نداره همین که شما این پولو گرفتی میخوایی کارشو انجام بدی یا کارشو انجام ندی مجازات جرم رشاء و ارتشاء اتفاق افتاد و همینطور در صورت دادن و گرفتن سند مثل اینکه چکی بین آنها رد و بدل شد و برگشت بخوره تاثیری در سوء نیت ندارد یعنی فرد یک چک بهش بده و چک رو بگیره ببره بانک نقد کنه بعد ببینه موجودی نداره خب میگه من پولی نگرفتم پس مجازات رشوه به من بار نمیشه یعنی شما همون لحظه که چک رو که گرفتی همان لحظه جرم رشاء و ارتشاء اتفاق افتاد پس این جرم از جمله جرایم مطلق است .

- سوال « در مورد شاغلین و سمت های دولتی که دارند پیش می آید این که آیا کسی را

که صرفاً تظاهر به داشتن سمت دولتی میکند بدون اینکه واقعا در آن سمت شاغل باشد آیا می توان به صورت اخذ رشوه مشمول مقررات ارتشاء کنیم ؟

چنین شخصی در صورت تحصیل مال از طریق توسل به وسایل متقلبانه تحت عنوان کلاهبرداری میتوان مورد بررسی قرار داد وقتی خودش را به عنوان کارمند جازده و مالی را به دست آورده تحصیل مال است و کلاهبرداری است اما اگر هیچ وسیله متقلبانه نداشته یعنی به کارنبرده بلکه فقط یکی بیاد بهت قول بده که این کاررئ برات انجام میدهد اما انجام نمیدهد مثلا یکی میگه من ازت پول می گیرم وفرزند شمارو در یک اداره ی مشخص شده استخدام میکنم اگر صحنه سازی کرده باشد بگه من فلان معاون یا رئیس اداره هستم وپول ازت بگیره اینجا کلاهبرداری است اما اگر هیچ وسیله متقلبانه به کار نبرده فقط قول داده بهت اینجا نمی توان به عنوان رشاء وارتشاء مورد محاکمه قرار داد.